



یورش پاسداران و جاشها به دکه داران سنندج

■ حرکت اعتراضی سرتاسری توده‌های مردم علیه سرکوب، خفقان و ترور حاکم بر ایران.

● خودروهایی حامل ارتش
و پاسداران زیر ضربات
پیشمرگان کومه‌له
در جاده سنندج-کامیاران

تظاهرات دانش آموزان در تهران
و دیگر شهرستانها با وجود تهدید
های مکرر رژیم همچنان ادامه
داشت.
تظاهرات زود و خورد هسای
خیابانی در بسیاری از شهرهای
شمال ایران نظیر رشت، رودسر،
لاهیجان، آمل و... که منجر به
کشته و زخمی شدن همدای گردیده
است.
اعتصاب غذای زندانیان سیاسی
این که وارد هجدهمین روز خود
شده است.
تظاهرات وسیع خوزستانهای
مقیم بر وجود کمانشتمانی مردم این
شهرنیز بر خورد آورده.
و دیگر استان نیز شاهد نمونه‌های
حماسه‌آفرین از مقاومت بوده‌اند.
برابر خون آشامان رژیم جمهوری
اسلامی بود ما هم، روستایان مناطق
سلد و زه شامات، شهرهای نهماری
زحمتکشان ایند رفاش می‌شتابند و
سدی از مقاومت کم نظیر از سرود هو
پیشمرگان نیروهای رژیم را که مجبزه
انواع سلاحهای سنگین و سنگین
بودند و در عقب نشینی کردند.
ماهیت جنگ ارتجاعی و ضرها دلانه
ایران و عراق که طی این مدت در
دست رژیم به چماق دیگری سرای
سرکوب هرگونه حرکت انقلابی

طی روزهای اخیر موج تازه ای
اعتصابها، تحصنها، تظاهرات
زود و خورد های خیابانی سراسر
ایران را فرا گرفته است. وسعت این
بازارت بعدی است که بلندگوهای
تخلیفات رژیم ناچار مذکر گوشه‌هایی
از آن شده‌اند.
نااطلاعه‌های شدید اللحن و
نه زدن آنها و شکنجه‌ها و کشتار
های خیابانی هیچکدام دیگر قادر
نیستند با این حرکت اعتراضی
سرتاسری مقابله نمایند.
نمونه‌های زیر تنها بخشهایی از
مبارزاتی است که در روزهای اخیر
توده‌های مردم ایران بر طبله رژیم ضد
خلق و ضد انقلابی حاکم بر ایران
دست زدند.
اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت
واحد اتوسرانی تهران.
اجتماع و تحمیل آوارگان جنگ در
تهران در مقابل نخست وزیری.
اجتماع کارگران خرمشهر و برابر
نخست وزیری در تهران به خاطر
اعتراض بعدی برداخت دستمزد
عقب افتاده چند ماهه خود.
زود و خورد و تظاهرات خیابانی
وسیع در تهران که طی آن همدای کشته
و زخمی گردیدند.

تبدیل گردید به خودروهایی
توده‌های وسیعی آشکار گردیده
است. آنها دیگر حاضر نیستند
جان خود را در راه دفاع از منافع
سرمایه‌داران و مرتجعین از دست
بدهند. رشد آگاهی توده‌ها علاوه
بر رژیم حاکم فرصت طلبان و
خائنانه نظیر حزب توده و چریک‌های
اکثریت را نیز که سعی در کشاندن
مردم باین جنگ ارتجاعی دارند
رسوا کرده است.
این مبارزات همچنین اختلافات
در بین هیئت حاکمه را نیز شدت
بخشیده است. در آورد سستی صدر
که دستشان آلوده به خون زحمتکشان
و خلقهای ایران است، سعی
دارند با عوام فریبی خود را از جنایات
هیئت حاکمه‌کنان بکشند و مبارزه‌ها
لانه توده‌های مردم ایران را ضحرف
و در جهت هدفهای ضد انقلابی
خود هدایت نمایند. اما کارگران
و دیگر زحمتکشان ایران که در وطنی د و

مستحکمتر باید پیوند مبارزاتی خلق گرد با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان
ایران.

سال اخیر تجارب خوبی را از حاکمیت این دارودسته‌های ضد خلقی کسب کرده‌اند. به معنی صد روا مثال او چنین مکانی نخواهند داد. گسترش نفوذ نیروهای انقلابی و رشد آگاهی توده‌ها نه برای حزب جمهوری اسلامی و نه برای دارودسته بنی صدر و نه هیچ‌یک باند دیگری مهدی باقی نگذاشته است.



سبز

● ۵۹/۹/۱۷ - در این روزها - سرداران و جانشینان خیا با نهضت‌های سندج ریخته‌ها و زورا سلاح‌شروع به جمع آوری ده‌های کنا رخیابان کردند. هر کسی را که کوچکتر است اعتراض می‌کرد، زیر مشت و لگد می‌گرفتند و حق‌ها سرداران و جانشینان می‌بردند. حاجی سعید غیاث‌جاش بزرگ به همکاری حاجی مظفری شهرک و دیگر مزدوران و ابتدا از میدان مرکز شهر شروع به زور و کورن و سایل دکه‌ها و داران و دست فروشان کردند و بعد وارد خیابان نهب‌لوی سابق شدند. این کاسک‌ها را بی چیز و فقیر با خشم و نفرت فراوان شاه‌بهم ریختن اندک و سایلشان بودند. نزد یکی‌های ظهر نهضت صوفی فروشها و خوار و رها فروشها و دستفروشان خیابان سپهر رسید. جانشینان سوار بر بولد و زور شهرداری تا هستی آنها را در هم ریختند و ده‌های آهنی را در کاسک‌ها انداخته و زحمت‌ها را می‌کردند. تنها آنها تیکه‌ها را انتهای خیابان بودند، فرصت یافتند و سایلشان را جمع کنند و با خود ببرند. بعد از ظهر همان روز دکه‌ها و داران جلو گاراژی می‌تی هم مورد بی‌سوروش درنده‌خوبانه جانشینان را گرفتند و همچنین ده‌های روی پیل خیابان فردوسی را با بولد و زورید اخلال و در خانه‌ها اختند. دلباس فروشان "بجرم" اینک‌ها سبها را خراج از مفا‌زشان آویزان کرد و می‌روند و هر

یکه هزار تومان جریمه کردند. این اعمال جنایتکارانه "مزدوران چنان مردم را خشمگین کرد و می‌بود که طبرغم خفقانی که بر شهر حاکم است و کینه خود را نسبت به رژیم بی‌انصافی کردند. زن دکه‌داری میگفت: "آخر به ۵۰ ختر گرسنه ام چه بگویم" زن دکه‌دار دیگری که شوهرش در بی‌باستان بستری است در مقابل جانشینان مقاومت کرد و گفت "باید مرا بکشید و گرنه نمی‌گذارم دکه‌ام را بیهید." زن دیگری که بساط قهوه‌خانه‌اش مسود و پرورش پاسداران قرار گرفت با صدای بلند فریاد زد که "ما با شما می‌جنگیم" ● ۵۹/۹/۱۸ - ساعت ۱۰ صبح بعد از بروجید شدن دکه‌ها بوسیله پاسداران و جانشینان ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر از دکه‌داران در صف طولی چند نفره جلوس شدند. در آری ایستاد می‌بودند. یکی از دکه‌داران میگفت "ما دیگر فریب نمی‌خوریم رژیم را خوب شناختیم" و دیگری اظهار امید داشت "ما باید بشمرگ بشویم". دکه‌داران در وهم جمع شد می‌بودند و در راه آینه‌ها نشان اتحادشان و مبارزه علیه رژیم سخن می‌گفتند. هنگامیکه خبرنگار رژیم‌زبون به محل جمع آمدند یکی از دکه‌داران در پرورش ایستاد و گفت "آقایان من صحبت کن. من باید خرج ۸ نفر بپردازم. دکه‌ها را خراب کرد و ما را دلت فقط دو ساعت به ما مهلت داد. اول برای ما کار پیدا کنید بعد آنها را در ویریزید. رژیم که اینطور ما را خانه خراب می‌کند و باید مسئولیت هر حادثه‌ای را بدهد بگیرد. خواهش می‌کنم حرف‌های ما را ننویسند." سایر دکه‌داران هر یک به گونه‌ای اعتراض می‌کردند. در جواب ایمن سؤال خبرنگار که شغل شما چیست و چه پیشنهادی دارید؟ یکی از دکه‌داران اظهار داشت: "من سن دست فروشم و چون کار دیگری پیدا نکردم خودم را با این کار مشغول کرده‌ام که بچها از گرسنگی نمیرود و گرنه دکه‌داری شغل نیست."

● ۵۹/۹/۳۰ - دودسته‌ها ز بشمرگان کوه‌طه (پل شهید جلال) در ساعت ۵ بعد از ظهر در جاده کاهاران - سندج کمین کردند. مدتی بعد د و خود روحا مل افرا در ارتش پاسدار و جانشینان آنها افتاد. بشمرگان آنها را زیر آتش سلاح‌های خود گرفتند. در این حمله فکیرا نهمه‌های از آنها کشته و زخمی شدند. کاهار می‌زان در قسب آن اطلاعاتی در دست نیست. پس از این مطالبات بشمرگان سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.

گزارشی از:

مبارزات دامنه‌دار

دانش‌آموزان ارومیه

● چندی پیش مسئولین دبیرستان محبوبه متحد بین ۴ نفر از دانش‌آموزان ما را زوراجرم جاساندن اعلام می‌دهد و راهرو را رسماً خراج کرد و دکه‌ها با اعتراض دانش‌آموزان مواجسه شدند. مدتی بعد رسماً تهدید کرد که ۲ نفر از دانش‌آموزان را بچسب برهمزدن آرایش مد رسماً خراج خواهد نمود. این تهدید و دانش‌آموزان را همیشه از پیش خشمگین کرد و در حیاط مدرسه تظاهراتی به اشتداد خراج دانش‌آموزان اعتراض کرده و بر طبقه مسئولین مدرسه شعار دادند. رئیس آموزش پرورش بعد رسماً می‌رود و سعی می‌کند دانش‌آموزان را بست و با دارد. اما دانش‌آموزان با ادامه اعتراض شروع شدند. ۲ نفر از فقائیشمان شدند.

● چندی پیش مد‌های از دانش‌آموزان دبیرستان معنوی در حیاط مدرسه اجتماع کردند و در اعتراض به خفقان و زور حاکم بر مردم شعارهایی دادند. بدنیال این تظاهرات و مسئولین آموزش پرورش دستوراً خراج ۱ نفر از دانش‌آموزان را صادر کردند.

روز بعد دانش آموزان خراجی به آموزش و پرورش مراجعه کردند و طلبت اخراج خود را میسر کردند . حمید یوسفی آموزش و پرورشنا - حبه میگوید باید امضای اکثریت دانش آموزان را جمع کنید تا بتوانید به سرکلاس برگردید . دانش آموزان خراجی امضای . . . نفرها هم کلاسهایشان را جمع کردند و برای حمید میبردند . حمید میگوید این همه امضا دیوانه وار فریاد زداز . . . نفر دانش آموز اکنون . . . نفر خواها ن سقوط رژیم هستید ل من هرگز قبول نمیکنم که شما به سرکلاس برگردید . این خبر در رسیده به حمید و دانش آموزان شروع کردند به راهپیمایی در محوطه مدرسه و نواها ن با زنگت همکلاسهایشان و رادیو فعالیت سیاسی شدند .

چند روز بعد از اخراج دانش آموزان مادر یکی از آنها بعد رسیده و طلبت اخراج فرزندش را بر سر میبرد . ناظم بجای جواب بهی شرمنا شروع به فحاشی میکند و مادر دانش آموز را میزند . در مقابل مادر شجاع با سبیلی بگوش ناظم می نوازد . ناظم شکایت میکند و دانش آموز خراجی را دستگیر و محکوم به یکسال زندان می کنند . بد نبال این اعمال وحشیانه دانش آموزان مبارز در محوطه مدرسه تحصن و خواها ن اخراج ناظم را برگرداندند و دانش آموزان خراجی و تشکیل شورای دانش آموزان میشوند . سرانجام مبارزات دانش آموزان به ثمر رسید و آنها موفق شدند ناظم مدرسه را برکنار کرد و محصلین اخراجی را بعد رسها زگردانند و دانش آموز زندانی را هم آزاد کنند .

● ۵۹/۹/۲۸ - مد برد بیرستان معلم یکی از دانش آموزان انقلابی را را بد فترا حضار و هی بلاغ میکند که " تو خراج هستی " این دانش آموز بکلاس برگشته و همکلاسهای خود را مطلع مینماید . آنها میگویند ما در مقابل این زورگوشها خوا همیستاد . ناظم مدرسه دانش آموزان را تهدید میکند در صورت پشتیبانی از محصل

اخراجی آنها را تنبیه خواهد کرد . در مقابل دانش آموزان ناظم راهرو میکنند و هشدار میدهند تا با زنگت همکلاسها ن به سرکلاس نخواهند رفت .

مسئولین دبیرستان در مقابل با فشاری همه دانش آموزان در مانده شد و محصل اخراجی را بکلاس برمیگردانند .

● در دبیرستان فردوسی یکی از دانش آموزان انقلابی که در باره ۳۰ و ضاع کردستان انشائی نوشته بود ، تهدید با اخراج میشود . دانش آموزان تصمیم میگیرند اگر همکلاسها ن را اخراج کنند کلاسها را تحریم نمایند . در افرا این روحیه مبارزاتی ، مسئولین مدرسه هنوز جرأت نکرد مانند دانش آموزان کور را اخراج کنند .

● ۵۹/۱۰/۲ - صبح این روز دانش آموزان دبیرستان شریعتی در اعتراض با اخراج چند نفر از همکلاسها ن سرکلاس نرفتند .

سفر

● ۵۹/۱۰/۱ - دودسته از پیشمرگان کومله (پل شهید محمد رسول کریمی پل شهید عباس خاتونی) از ساعت ۸ تا ۲ شب در یکی از محله های شهر یکمین پاسداران و جاشها نشستند ولی تا آن هنگام دشمن رفت و آمدی نداشت . بد نبال آن پیشمرگان بعد موت مرد می که متوجه حضورشان شد بودند به گروههای منظم تقسیم شد و به خانه های آنان رفتند و در مورد ساقل مختطف سیاسی بهیجا نواضع و مظلومیت و همچنین خبرنا ههای کومله را در محله پخش کردند . هنگامیکه می خواستند محله را ترک کنند خانه دو جاش را محاصره کردند . اما در آن موقع هیچکدام از جاشها در منزل نبودند . سرانجام پیشمرگان محل را ترک کرد و موا ز شهر خراج شدند .

نامه ای از یک روستائی
برای خبرنگار ما

دستان خبرنا مسلمان هر فر میکم . من یک روستائی از دهات اطراف سقرهستم . صاحب یک زن و سه بچه و همه ما هم غرد سالند و هنوز قدرت کارکردن ندارند . خود نیز صاحب زمین نیستیم . مدت زیادی است که بیگارم . زندگی اسالم را با مقدار کمی زمین کمانه در روزگم بنوخ ۱۲ به ۱۲ اجاره کردیم ، تا همین میشود . اما اندک پس اندازم را گزائی بیش از حد اسال در خود ش بلعید ماست .

روستای ما نیز همانند سایر روستاها محاصره اقتصادیشده است . از این باب است از طرف ملای ده و چند نفر معتقد بین بفرمانده امر جمع کردمانده . اما فرماندار ریاسخ گفته است که اگر اهالی روستا را بشهر ما برید کمبر علیه " ضد انقلاب " تظاهرات کنند ما بشما سوخت و آذوقه میدیم .

من حاضرم خودم و بچه هایم از گرسنگی بمیریم ، ما بر علیه پیشمرگان ما اگر تظاهرات هم بکنیم .

بر علیه این حکومت میکنم که پیشمراز مرگ و خرابی و زندان هدیه دیگری بر ما ننداشت .

با آرزوی موفقیت شما (ق ۱۰)

روستا های گردنشین
اطراف میاندوآب
توپ بازان شدند

● ۵۹/۱۰/۲ - ارتشبان مستقر در تیه نزدیکی روستای گا میش گولی روستاهای گردنشین اطراف را با خمارمانند از توپ مورد حمله قرار دادند . در نتیجه در روستای " کوخان " یک دختر جوان و در روستا " سرچنار " مدمای زخمی شدند و

چندین خانه آسیب دیدند .

برخورد مسلحانه بین ارتشیان و پاسداران در میانداوب

بدنهال درگیرهای اخیر میباند آب که بین مردم پیشمرگان از یکطرف و ارتش پاسداران و افراد بسیج از طرف دیگر روی داد . روز یکشنبه ۵۹/۹/۳ پاسداران مستقر در میانداوب فرمانده مملکت راه را با بجرم اینکه در درگیری شرکت فعال نداشته است سکروا و ادرا کرد نده بدنهال این جریان ارتشیان نزنه آسایشگاه پاسداران حمله کرد و وطنی تیراندازی شدیدی . الی ۱۵ نفر از پاسداران را کشته و زنی را زخمی نمودند .

سروش

۵۹/۱۰/۱ - در این روز جوانی دیبله بنام ناصر سعیدی که جهت جمع آوری هیزم به اطراف شهر رفت و هدف رگبار هلی کپترهای جمهوری اسلامی قرار گرفت و شهادت رسید . مراسم تشییع جنازه شهید در سردشت به نظاهراتی تبدیل شد که طی آن مردم

ضمن خواندن سرودهای انقلابی به دادن شمارهایی طیارهتشیان پاسداران برداختند . در اثر توب باران روستای "مرانه" از سوی دگان سردشت یکی از آنها لی روستا زخمی شد .

مزدوران رژیم همچنان به کشتار و آزار مردم مبارز میباد ادامه میدهند

۵۹/۹/۲۶ - جاشها و پاسداران کشتب هنگام درکوچه دامزشکی کمین گذاشته بودند بسوی سهوا بر تیراندازی کرده در نتیجه یک نفر از آنها بنام کمال توت آغاجی شهادت رسید . ۵۹/۹/۲۷ - ارتش پاسداران بمردم پشت تپ اعلام میکنند که باید عقبه اسلحه تحویل دهند در غیر این صورت اجازت صرفت و آمد به شهر را به آنها نخواهند داد . همچنین در این در این روز پاسداران در محله "کانی مام قنبران" شروع باذیت و آزار مردم کرد هود رکوجه های شهر به این توهین کرد هوانها را کتک کاری نمودند .

هم میهنان مبارز! سازمان ما را در انجام وظایفی که در قبال جنبش انقلابی به عهده دارد یاری دهید . مشکلات مالی و تدارکاتی ما بدون یاری شما حل نخواهد شد . کمکهای خود را از هر طریق که برایتان ممکن است بماند بپرسانید .

درد پر روستائیان قهرمان مناطق شامات ، شارویرا حال ، سلدوزگه دوش بدوش پیشمرگان با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به مقابله برخاسته اند . تنها مقاومت مسلمانان زحمتشان انقلابی میتواند دست رژیم را از کشتار و قتل عام روستائیان کردستان کوتاه سازد .